

## گروگان گیری با هسته سخت

اگر تا دیروز فقط اصلاح طلبان خود را مدعی العموم مردم می دانستند و آرزوهایشان را با نام مطالبات مردمی مطرح می کردند، حالا در طیفی از جریان انقلابی هم کسانی مدعی العموم مردم شده اند، مدعی العموم هسته سخت، مدعی العموم حامیان نظام و مدعی العموم همه کسانی که حاضرند برای حفظ و بقای جمهوری اسلامی هزینه بدهند. رأی آوردن در انتخابات همیشه می تواند فریبنده باشد و فرد یا جریان سیاسی پیروز را در ورطه ای از غرور بیندازد که خود را مالک همه افکار عمومی بداند یا حتی با و هم آن که اصالت بر دو قطبی مردم و حاکمیت است، در عین حضور در حاکمیت، ژست اپوزیسیونی بگیرد. مسیری که اصلاح طلبان بارها و بلکه همیشه آن را پیموده و می پیمایند. حال آن که نه مردم الزاماً در برابر حاکمیت تعریف می شوند و نه آن هایی که برای حضور در دل همین حاکمیت، مردم را با خود همراه کرده اند، می توانند هم زمان جایگاهی در تقابل با حاکمیت برای خود تعریف کنند. فرقی هم نمی کند انتخابات مجلس باشد یا ریاست جمهوری، و هم قدرت شخصی، اهل سیاست را به اشتباه و محاسبات غلط می رساند. از روز های بعد از انتخابات مجلس در سال ۱۴۰۲ جریانی را و هم پیروزی گرفت و آن ها با شعار تغییر تر کیب هیئت رئیسه مجلس مانور قدرت خود را شروع کردند. گرچه در همان آغازین روز های شکل گیری مجلس جدید و عیان شدن وزن جریان های مختلف، دریافتند آن قدر ها هم که فکر می کردند، پیروز نبوده اند! این جریان بعدتر سراغ مدل دیگری از کنشگری رفت و با ادعای نمایندگی هسته سخت نظام بودن، در لفافه ای از مطالبه گری، نظام را تهدید کرد که اگر فلان نشود و بهمان نشود، هسته سخت نظام که حاضر است برای حفظ جمهوری اسلامی همه هزینه ای بدهد، از نظام نا امید می شود و عبور می کند و دیگر فاتحه نظام را باید خواند! یا در جایی دیگر به تجمعات غیر قانونی که خود همیشه منتقد آن بوده اند، رسمیت بخشیدند. حتی اگر بپذیریم که هسته سخت و وفادار نظام الزاماً به همین افراد رأی داده – که نداده است – آن رأی هم برای این بود که این افراد را نیز و های نظام جمهوری اسلامی و خدمتگزاران میهن تشخیص داد، نه این که آن ها پایگاه رأی خود را همچون سیاست اصلاح طلبانه «فشار از بالا و چانه زنی از پایین» قطبی در مقابل نظام تعریف کنند و بخواهند به پشتوانه رأی حامیان نظام، ژست های اپوزیسیونی بگیرند. این قسم مواضع بیش از آن که توصیه ای دلسوزانه به نظام تلقی شود، بوی گروگان گیری هسته سخت را می دهد تا نظام مجبور شود بدون خون و خونریزی! تن به خواسته های آنان دهد که شاید در نگاه اول هم خواسته ای به حق دیده شود. شاید هم خود را در نقش حاج کاظم آژانس شیشه ای تصور می کنند، اما او – صرف نظر از آن که کارش را در ست بدانیم یا غلط – برای دفاع از هسته سخت – عباس – آبرویش را به مسلخ برد و دیگران را شاهدانی اجباری قرار داد، نه آن که هسته سخت را برای تحت فشار قرار دادن و تهدید تلویحی نظام، گروگان خود بگیرد. از قضا، هسته سخت سوی مظلوم ماجراست، قشری که بی انتظار و بی توقع، هزینه می دهد و بعد، هر کسی از راه می رسد، می خواهد فرباد دادخواهی برای هزینه ای را بلند کند که آنان داده اند و حالا این ها می خواهند و کیل ناخوانده شوند. هسته سخت نظام نیازی ندارد، نظام را تهدید کند یا طلبکار نظام باشد و در برابر هزینه ای که برای حفظ نظام داده است، مطالبه ای داشته باشد که خلاف مصلحت کشور باشد. اوپی را که برای نظام جان می دهد، نباید سپر و بهانه مطالبات خود کرد یا به مسیری هدایت کرد که برای ایستادن مقابل نظام متبوع خود تحریک شود. این قسم مواضع از سویی تهدید حاکمیت و از دیگر سو، تحریک هسته سخت است. تصویر سازی «بی تفاوت نسبت به نظام» از حامیان پروپاقرص جمهوری اسلامی در واقع نشان دادن راهی به این حامیان است که آن ها برای خود محال می دانند، اما این موضع می گوید که همین محال هم می تواند مورد انتخاب قرار بگیرد و محال نباشد! از سویی دیگر، شناخت در ست جمهوری اسلامی اتفاقاً باید آن ها را به این نتیجه برساند که این نظام را نمی توان با تهدید مجبور به تصمیم و اجرا کرد. در این زمینه رجوع به خاطرات اصلاح طلبان که خود مدعی این تره های چانه زنی و فشار بودند، می تواند برای این طیف سیاسی هم راهگشا باشد. کمالین که بالاترین انواع تهدید هم از اردو کشی خیابانی سال ۱۳۸۸ گرفته تا خانه نشینی شخص اول اجرایی کشور در سال ۱۳۹۰، نتوانست نظام را به رفتاری خلاف قانون یا خلاف مصلحت مجبور کند. لذا خوب است که با شناخت حدّ خود و سطح نظام مواضعی واقع بینانه بگیریم، دو قطبی خطرناک ملت و دولت سازیم و خود را مدعی العموم هسته سخت نبینیم.

# انقلاب برقی با در آمد ۲۰ میلیونی

**فناوری هیبرید تجدیدپذیر خورشیدی-بادی، با قابلیت تولید برق و درآمدزایی خانگی ماهانه تا ۲۰ میلیون تومان توجه سیاست گذاران و جوامع محلی را به خود جلب کرده است**



خورشیدی در طول روز و بادی در شب، موجب پایداری در تأمین برق می شود. مطالعات اولیه در سه منطقه مختلف ایران نشان دهنده نتایج مثبت استفاده از این فناوری است. در یکی از این پروژه ها، یک مزرعه

فناوری هیبرید تجدیدپذیر ترکیبی از انرژی خورشیدی و بادی به تازگی در ایران معرفی شده و به سرعت توجه سیاست گذاران و جوامع محلی را جلب کرده است. این سیستم که به طور خاص برای مناطق کوهستانی و کویری طراحی شده، قادر به تأمین انرژی خانگی و حتی ایجاد درآمد تا ۲۰ میلیون تومان ماهانه برای خانوارهاست. این سیستم ۱۰ کیلوواتی شامل دو جزء اصلی است: پنل های خورشیدی با راندمان ۲۲ درصد و توربین های بادی عمودی که حتی در سرعت باد پایین (۲.۵ متر بر ثانیه) هم عملکرد خوبی دارند. این ترکیب در مناطقی مانند شمال ایران و نواحی کوهستانی عملکرد بهینه ای از خود نشان می دهد. سیستم هیبریدی مزایای دیگری نیز دارد. یک باتری لیتیومی ۱۰ کیلووات ساعتی قادر است انرژی مازاد را ذخیره کرده و تا ۱۲ ساعت برق بدون وقفه تأمین کند. این ویژگی خاص به ویژه در شب ها یا روز های ابری که تولید انرژی خورشیدی کاهش می یابد، اهمیت پیدا می کند. اثر هم افزایی بین تولید انرژی

# بازی در لبه پرتگاه با چاشنی تهدید و محاسبه

**در تقابل کم سابقه میان تهران و واشنگتن، ترامپ ایران را به «حمله نظامی سخت» تهدید کرده است. ایران اما با بازدارندگی ترکیبی، از آرایش نظامی تا دیپلماسی چندلایه، در حال مهار این تهدید و تبدیل بازی به یک قمار پرهزینه برای واشنگتن است**



حضور در منطقه، به ایران این پیام را منتقل کند که در صورت عبور از خطوط قرمزیک جانبه واشنگتن، اقدام نظامی روی میز است. اما مخاطب این تهدید، تنها ایران نیست؛ بلکه کشورهای منطقه، اروپا، روسیه و چین و حتی مخالفان داخلی ترامپ نیز مخاطب بخشی از این نمایش هدفمند هستند.

**مرحله دوم: واکنش ایران – بازدارندگی ترکیبی و بازآرایی راهبردی**

در واکنش به تهدید آشکار آمریکا، ایران رویکردی چندوجهی و مرحله بندی شده اتخاذ کرده که تنها به عرصه دیپلماسی محدود نمی شود. یکی از مهم ترین اقدامات ایران، ایجاد آمادگی های گسترده دفاعی و بازآرایی توان نظامی کشور در چهار حوزه پدافندی، موشکی، دریایی و جنگ نامتقارن است. این بازآرایی نه صرفاً در قالب مانورهای نمایشی، بلکه در تقویت واقعی زیرساخت های دفاعی و آرایش جدید نیروها متناسب با تهدیدات احتمالی طراحی شده است. هم زمان، بازدارندگی از جنس محور مقاومت به عنوان مکمل این آمادگی نظامی، نقشی اساسی در راهبرد پاسخ ایران ایفا می کند. بر خلاف برخی روایات های رسانه ای غرب که از اصطلاح «نیروهای نیابتی» استفاده می کنند، ایران بر ظرفیت شبکه ای متحدان منطقه ای خود – از لبنان تا یمن و از سوریه تا عراق – تأکید دارد؛ شبکه ای از بازیگران هم راستا که به واسطه اشتراک در منافع راهبردی، بخشی از معادله بازدارندگی در برابر مداخلات خارجی به شمار می آیند.

از منظر میدانی، ایران با هشدار در باره احتمال آسیب پذیری پایگاه های آمریکا در منطقه، احتمال اختلال در تردد نفتکش ها در خلیج فارس و امکان گسترش آتش جنگ به کل منطقه، در حال انتقال پیام روشنی به کاخ سفید است: هزینه اجرای تهدید، بسیار فراتر از منافع احتمالی آن خواهد بود. این رویکرد، در نظریه بازی ها معادل «تزیق عدم قطعیت» به حریف است؛ یعنی آمریکا نمی تواند با اطمینان از کنترل پیامدها، تصمیم به آغاز حمله بگیرد.

در کنار این اقدامات میدانی، دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی نیز به صورت موازی و فعال در حال رایزنی با کشورهای دوست، تقویت محورهای منطقه ای، و گفت وگوهای سطح عالی با دولت های تأثیر گذار است.

رفت و آمد های دیپلماتیک و رایزنی های تلفنی در

**گروه سیاسی** – در فضای پرتنش منطقه، گزینه حمله نظامی آمریکا به ایران بار دیگر بر سر زبان ها افتاده است؛ اما این بار، نه صرفاً به عنوان یک شعار تکراری در ادبیات سیاسی آمریکا، بلکه به شکل یک تهدید مستقیم و بی سابقه از زبان دونالد ترامپ، رئیس جمهور کنونی ایالات متحده. این تهدید که به صراحت از «حمله ای سخت به ایران» در صورت شکل نگرفتن توافق میان تهران و واشنگتن سخن می گوید، از نظر مفهومی و حقوقی تفاوت زیادی با ادبیات پیشین آمریکایی ها دارد. به نوشته نور نیوز، در چارچوب نظریه بازی ها، چنین تهدیدی را می توان به عنوان یک حرکت در بازی چندمرحله ای تحلیل کرد؛ اما نکته کلیدی این است که در فضای واقعی و از منظر راهبردی، تهدیدی از این دست را حتی اگر محتمل باشد باید قطعی تلقی کرد. یعنی حتی اگر در نظریه بازی ها احتمال اجرای تهدید پایین باشد، بازیگر مقابل باید آن را جدی گرفته و برای خنثی سازی یا مقابله با آن آماده شود.

**مرحله اول: تهدید صریح و بی سابقه - سنگینی یک کارت تاز**

برای نخستین بار، یک رئیس جمهور آمریکا مستقیماً ایران را به اقدام نظامی و بمباران تهدید کرده است. در این چارچوب پنتاگون با اعزام ناوهای هواپیمابر به منطقه و استقرار بمب افکن های B۲ در پایگاه دیگو گارسا در اقیانوس هند تلاش کرده که تهدیدات رئیس جمهور آمریکا را جدی نشان دهد. این تهدیدات در حالی بیان شده به طبق ماده ۲ منشور ملل متحد، هرگونه تهدید به توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشورها ممنوع است. با این حال جامعه جهانی با سکوت نسبت به این اقدام آمریکا به نگرانی هادر خصوص تداوم رفتارهایی از این دست از سوی آمریکا دامن زد. نکته قابل توجه این است که پس از مطرح شدن تهدیدات ترامپ، هیچ جلسه ای برای رسیدگی به این تهدید در شورای امنیت سازمان ملل برگزار نشد؛ سکوتی که بیش از هر چیز، نشانه ای از تضعیف نظم حقوقی بین الملل و انفعال نهادهای بین المللی در برابر قدرتمنایی یک جانبه آمریکاست.

در نظریه بازی ها، این تهدید را می توان در دسته «تهدیدات معتبر اما پرهزینه» جای داد. آمریکا تلاش می کند با نمایش توانمندی نظامی و

سطح روسای جمهور، وزرای خارجه و فرماندهان نظامی در هفته های اخیر، نشان دهنده آن است که ایران هم زمان در حال تثبیت موقعیت منطقه ای خود و آماده سازی ائتلاف های پنهان و آشکار برای مواجهه احتمالی با سناریوی جنگ است.

در مجموع، راهبرد ایران در برابر تهدید نظامی آمریکا مبتنی بر «بازدارندگی ترکیبی» است؛ یعنی آمادگی عملیاتی در سطوح مختلف نظامی، همراه با استفاده هوشمندانه از ظرفیت های منطقه ای و سیاسی. چنین رویکردی، نه فقط به عنوان واکنشی به تهدید اخیر ترامپ، بلکه به مثابه پایه ریزی یک معادله پایدار برای مقابله با ماجراجویی های نظامی آینده طراحی شده است.

**مرحله سوم: آمریکا و بازی چندگانه سیگنال دهی**

یکی از ویژگی های بارز راهبرد آمریکا در برابر ایران، ارسال هم زمان پیام به چند بازیگر مختلف است. در این چارچوب، تهدید نظامی علاوه بر تأثیر بر تصمیمات ایران، پیام هایی نیز برای اسرائیل، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و قدرت های اروپایی دارد. به اسرائیل این پیام منتقل می شود که واشنگتن هنوز به گزینه نظامی برای مقابله با پیشرفت های هسته ای ایران اعتقاد دارد؛ کشور های عربی با تضمین حمایت امنیتی آمریکا دلگرم می شوند؛ اروپایی ها نیز با امید به احیای دیپلماسی، همراهی خود را در فشار بر ایران افزایش می دهند و چین و روسیه نیز با محاسبه هزینه بالای حمایت از ایران در مقابله با زیاده خواهی های آمریکا با احتیاط رفتار می کنند.

در چارچوب نظریه بازی ها، این سیگنال دهی چند جانبه یک تاکتیک کلاسیک برای تقویت ائتلاف و هم زمان افزایش فشار بر حریف اصلی است.

**مرحله چهارم: ایران و نقطه تصمیم هسته ای**

شاید مهم ترین واکنش ایران در برابر این تهدید، نه در میدان نبرد، بلکه در اتاق تصمیم گیری راهبردی هسته ای رقم بخورد. علی لاریجانی،

مشاور رهبر انقلاب اسلامی، اخیراً در گفت وگویی صریح هشدار داد: «اگر آمریکایی ها بخواهند ایران را به تهدید موجودیتی بکشاند، طبیعی است که محاسبات ایران نیز تغییر خواهد کرد و ممکن است در خصوص راهبرد عدم ساخت سلاح هسته ای تجدید نظر شود.»

این اظهارات از منظر نظریه بازی ها یک «تهدید بازدارنده متقابل» است؛ یعنی ایران با اعلام اینکه اگر موجودیتش تهدید شود، ممکن است وارد فاز ساخت سلاح هسته ای شود، تلاش می کند مانعی پیش دستانه در برابر اقدامات احتمالی آمریکا ایجاد کند. در اصطلاح بازی ها، این وضعیت می تواند به عنوان یک «خط قرمز تقابلی» در نظر گرفته شود؛ اگر آمریکا از تهدید فراتر رفته و اقدام کند، ایران نیز ممکن است از راهبرد صلح آمیز خود عبور کند.

در تحلیل نهایی، تهدید حمله نظامی آمریکا علیه ایران، در عین حال که ممکن است صرفاً یک تاکتیک برای افزایش فشار باشد، باید به عنوان یک تهدید واقعی و بالقوه در نظر گرفته شود. از آنجا که این تهدید بر ای نخستین بار به طور مستقیم و با ادبیاتی بی پرده از سوی رئیس جمهور ایالات متحده مطرح شده، نمی توان آن را در ردیف تهدیدات کلیشه ای گذشته دسته بندی کرد. در چنین شرایطی، ایران ناگزیر است با محاسبه دقیق، تلفیقی از بازدارندگی منطقه ای، هشدارهای سیاسی و آمادگی راهبردی را در دستور کار قرار دهد. هم زمان، ضعف نهادهای بین المللی در واکنش به تهدید آشکار نظامی، نشان می دهد که اتکا صرف به ساز و کار های حقوقی جهانی برای مهار تهدید کافی نیست. در نظریه بازی ها، بازی در لبه پرتگاه یعنی دو طرف با تهدید به اقدامات شدید، طرف مقابل را به عقب نشینی وادار می کنند بدون آنکه وارد فاز عملی شوند. اما هرچه لحن تهدیدها تندتر شود، احتمال خطا یا سوء تفاهم بیشتر می شود و یک حرکت اشتباه می تواند بازی را از تهدید به واقعیت تبدیل کند؛ واقعیتی که شاید هیچ کدام از طرفین نخواهند آن را تجربه کنند.

**دوست گرانقدر جناب آقای مهندس احمد طالبیان نیما، کسری و نغمه عزیز**  
غروب ناپلورانه همسر و مادر مهربانتان  
**شادروان فتانه خانم**  
موجب تأسف و تأثرمان گردید.  
«ما را در غم خود شریک بدانید»  
**مهندس صادق کیوان – آسبه رفیع زاده**  
کاوه و بابک کیوان

**در بهار دل نشین طبیعت جای خالیتان را به نظاره می نشینیم**  
**زندگی ما با بودنتان بهار بود و با رفتن تان رنگ پاییز گرفت**  
بیست و هفتمین سال فراق پدر عزیزمان **حاج اصغر اسعدی**  
و هفتمین سال هجران مادر مهربانمان **حاجیه خانم مریم نصیری**  
را با یاد و خاطرات نیک شان گرامی می داریم.  
«روحشان شاد و یادشان مانا»  
**خانواده مرحوم**

**تلفن تماس بخش پشتیبانی ۳۷۰۰۹۹۱۴**

**سفارش آنلاین امکان ارسال عکس دریافت فاکتور استفاده از متن های پیشنهادی**

**WWW.۳۷۰۱۰۱R**

**آسان ترین راه سفارش آگهی ترسیم و تسلیت**